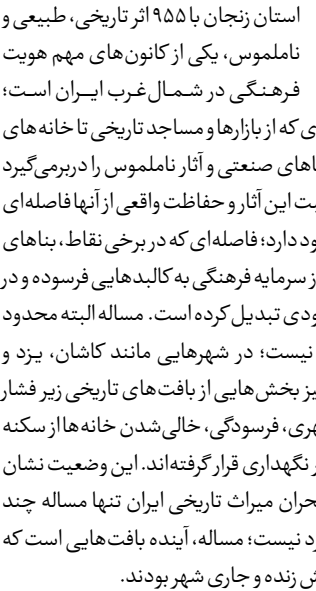




میراث تاریخی فقط «ساختمان قدیمی» نیست

هوشنگ ثبوتی، معمار و باستان شناس زنجان
و از چهره‌های باسابقه حوزه مرمت، معتقد است
آثار تاریخی را باید از سه منظر دید: به‌عنوان
ثروت ملی، حامل هویت و اطلاعات تاریخی و
در نهایت یک ظرفیت اقتصادی و گردشگری.
به‌گفته او، یک بنای تاریخی فقط مجموعه‌ای از آجر،
خشت، کاشی و چوب نیست. هر عمارت، قطعه کاشی،
کاسه یا کوزه می‌تواند اطلاعاتی درباره افکار، ارزش‌ها،
شیوه زندگی، باورها و معیارهای اجتماعی دوره‌ای که در
آن ساخته شده، در خود حفظ کرده باشد. به همین دلیل،
ارزش واقعی یک اثر فقط در مصالح آن خلاصه نمی‌شود،
بلکه اطلاعاتی که در آن نهفته، اهمیت بیشتری دارد.
از همین منظر، تخریب یک خانه تاریخی فقط از بین
رفتن یک ساختمان نیست؛ بخشی از حافظه شهری
نیز با آن از میان می‌رود.

محلہ بازار زنجان؛ بافتی کہ «فریز» شد

یکی از جدی‌ترین هشدارهای مطرح‌شده درباره زنجان،



خانه‌هایی که زیر بار بی توجهی فرسوده می‌شود؛ از محله بازار زنجان تا خانه‌های تاریخی



نتیجه ضوابطی است که دهه‌ها پیش برای حفاظت از این محدوده تدوین شده و در عمل، بدون بازنگری جدی ادامه پیدا کرده است. به تعبیر او، محله بازارنجان از سال ۱۳۵۴ عملاً «فریز» شده است؛ یعنی در حالی که شهر در طول این سال‌ها توسعه یافته و طرح‌های جامع و تفصیلی مختلفی را تجربه کرده، این بخش از شهر نتوانسته خود را با نیازهای زندگی معاصر تطبیق دهد.

خطر زلزله و هشدار درباره جان ساکنان

ماجرای فقط حفظ زیبایی تاریخی نیست. وقتی بافت تاریخی فرسوده همچنان محل زندگی مردم است، ضعف سازه‌ای به مسائلی آیینی تبدیل می‌شود. تئوری هشدار داده در صورت وقوع زلزله‌ای با قدرت تخریبی حدود چهار تا پنج ریشتر، درصد بسیار بالایی از ساکنان محله ممکن است آسیب ببینند. او خواستار ورود جدی مسئولان استانی برای حل این مسأله شده و تأکید کرد: «راکار حفاظت از بافت تاریخی نباید به معنای رهاکردن آن

در وضعیت فرسودگی باشد. در این میان، مقایسه با بازار تاریخی تبریز نیز قابل توجه است؛ جایی که به گفته این کارشناس، با وجود قدمت و ساختار مشابه، زندگی شهری همچنان در آن جریان دارد و امکانات شهری، فعالیت اقتصادی و سکونت بافت تاریخی پیوند خورده است.

خانه‌هایی که آرام از حافظه شهر حذف می‌شوند

مشکل به بازار محدود نیست. خانه ناصر خدیوی، یکی از خانه‌های ارزشمند تاریخی زنجان، نمونه دیگری است که به گفته نبوتی بر اثر بی‌توجهی رقیب‌ها در مسیر نابودی کامل قرار گرفته است. درباره شهر زیرزمینی دژمنده و دیگر بناهای تاریخی نیز از او نبود برنامه‌های مرمتی مبتنی بر مطالعات دقیق انتقاد می‌کند. از نگاه او، مرمت علمی پیش از هرگونه مداخله فیزیکی نیازمند شناخت پیشینه تاریخی، ویژگی‌های معماری، ارزش‌های هنری، آسیب‌شناسی و وضعیت سازه‌ای بناست. مداخله بدون چنین شناسایی می‌تواند به جای نجات اثر، اصالت آن را مخدوش کند.



بحران زنجیان نمونه‌ای منفرد نیست. کاشان نیز سال‌هاست با مسأله فرسایش و تخریب بافت تاریخی خود دست‌وپنجه نرم می‌کند. در گزارشی که در سال ۱۴۰۴ منتشر شده، مدیر دفتر بافرآینبی شهری کاشان محدوده تاریخی این شهر را حدود ۵۴۰ هکتار اعلام کرده و تأکید کرده بافت تاریخی را نباید صرفاً «بافت فرسوده» تلقی کرد؛ زیرا این محدوده بخش مهمی از هویت شهر را تشکیل می‌دهد. گزارش‌های پیشین نیز از تخریب بخش‌هایی از بافت تاریخی کاشان در پی طرح‌های توسعه شهری، احداث خیابان، میدان، پارکینگ و طرح‌های مرتبط با برخی زائرگاه‌ها خبر داده‌اند. محله‌هایی مانند پنجه‌شاه، پاک، در زنجیر و درگلان و همچنین بخش‌هایی از فین، راوند، هریجنه و تنحر از جمله مناطقی بوده‌اند که درباره تخریب یا از دست رفتن پیوستگی تاریخی آنها هشدار داده شده است. در واقع تجربه کاشان نشان می‌دهد وقتی بافت تاریخی به جای «بافت زنده» به عنوان «بافت فرسوده» دیده شود، نخستین راه‌حل ممکن است تخریب و نوسازی تلقی شود؛ در حالی که مسأله اصلی باید احیا، سکونت‌پذیری و بازگرداندن زندگی به این محلات باشد.



اصفهان نیز با چالشی مشابه مواجه است. گزارش‌های منتشرشده طی سال‌های اخیر از تخریب خانه‌ها و لاک‌های تاریخی در بخش‌هایی از بافت قدیمی شهر، به‌ویژه پیرامون مسجد جامع عتیق و محدوده جنوبی میدان نقش جهان، خبر داده‌اند. بررسی گزارش‌های از تبدیل خانه‌های تاریخی به پارکینگ و جایگزینی بناهای قدیمی با ساختمان‌های جدید و نامتجانس سخن گفته شده است. همزمان، پژوهشگران درباره گسست تدریجی بافت تاریخی اصفهان هشدار داده‌اند؛ گسستی که تنها با تخریب یک بنا ایجاد نمی‌شود، بلکه از کنار هم قرار گرفتن تخریب‌های کوچک و پارکند شده شکل می‌گیرد. در سال ۱۳۹۶ اصفهان آسیب‌های ناشی از جنگ به‌شمار می‌آید؛ بناهای تاریخی و نیز از جمله مجموعه‌های پیرامون نقش جهان و کاخ چهلستون، بار دیگر آسیب‌پذیری میراث این شهر را برجسته کرد. گزارش روترز از آسیب‌های ناشی از موج انفجار در اطراف این بناها خبر داده است.

یزد؛ الگویی که خود با تهدید روبه‌روست

یزد اما نمونه متفاوتی است؛ بخش مهمی از بافت تاریخی این شهر توانسته در مقایسه با برخی شهرهای دیگر پیوستگی خود را بیشتر حفظ کند؛ حتی مدیر دفتر بازرگانی شهری کاشان نیز در گفت‌وگوی در سال ۱۴۰۴، یزد را نمونه‌ای دانسته که مردم آن روز و تری به اهمیت حفاظت از بافت تاریخی توجه کرده‌اند. با این حال، یزد نیز مصون از خطر نیست. در سال‌های گذشته، طرح‌های عمرانی، تخلیه خانه‌های تاریخی، فرسودگی بناهای خشتی و حوادث طبیعی به بخش‌هایی از این بافت آسیب زده‌اند. برای نمونه، بارندگی و سیل سال ۱۴۰۰ خسارت گسترده‌ای به خانه‌ها و مغازه‌های بافت تاریخی یزد وارد کرد و گزارش‌ها از آسیب به صدها واحد تاریخ دادند. بنابراین حتی شهری که در زمینه حفاظت از بافت تاریخی الگوی موفق‌تری محسوب می‌شود، برای بقای این میراث نیازمند نگهداری مستمر، تأمین اعتبار و زنده نگه داشتن سکونت و فعالیت اقتصادی در بافت است.

